مردم سالاری
حاکمیت حق مردم است
ویژه جشنواره کودک و نوجوان

کنکاشی در تاریخ سی‌نمای کودک در ایران

نام‌های بزرگی که آوازی کودکانه سر دادند

صفحه۷

کنکاشی در تاریخ سینمای کودک در ایران

نام‌های بزرگی که آوازی کودکانه سر دادند

پری‌س تنطی‌فی

کمتر کسی است که هنگام سخن گفتن از سینمای کودک، تاریخ آن را در ایران بشناسد و به آن اشراف داشته باشد، اما حقیقت این است که سینمای کودک با تمام کژدار و مریزهایش، تاریخی طولانی در ایران دارد. توجه به ساخت فیلم کودک در ایران از دهه سی خورشیدی آغاز شد. در واقع سال ۱۳۳۶ خورشیدی سرآغاز ساخت آثار انیمیشن در سینمای ایران است. از این سال است که می‌توان ردّ ساخت فیلم‌های کوتاه و تجربی در زمینه سینمای کودک را در ایران دید و همچنین تجربه‌های نخست انیمیشن‌سازی ایران را دنبال کرد. همین امر راهی را در سینمای ایران بوجود آورد که خیلی زود و با نزدیک شدن به دهه ٤٠ خورشیدی به ساخت آثاری در بدنه سینمای ایران انجامید که می‌توان از آنها به جرات در زمینه سینمای کودک یاد کرد. در واقع سراسر دهه ٤٠ خورشیدی، با ساخت آثاری مانند «بیم و امید»، « فرشته فراری»، « گذشت»، « اشک‌ها و خنده‌ها»، « مراد و لاله» شاهد حضور سینمای کودک در بدنه سینمای ایران هستیم، هرچند که این آثار هرگز با هدف بوجود آوردن روندی مستمر و تخصصی در این زمینه ساخته نشده بودند و تنها آثاری بودند که با علاقه عوامل تولید فیلم و با توجه به نیاز سنجی بازار تولید شده و در سینماها به نمایش درآمده بودند، بسیاری از این آثار که نام بردیم در واقع آثار تخصصی سینمای کودک نیستند، بلکه آثاری هستند که در داستان آنها به زندگی یک کودک نیز اشاره شده است و به این ترتیب می‌توان آنها را در زمره آثاری به شمار آورد که درباره کودک ساخته شده‌اند.

برای نمونه فیلم اشک‌ها و خنده‌ها که تولید سال ۱۳٤۲ است داستان مردی به نام جواد شادی را روایت می‌کند که سرپرستی یک کاروان شادی را به عهده دارد و همسرش ستاره را به دلیل سبک سری و معاشرت با یک ولگرد به قتل می‌رساند و به حبس ابد محکوم می‌شود. او دخترش رویا را به مطربی دوره گرد به نام غلامحسین می‌سپارد. جواد پس از پانزده سال آزاد می‌شود و به زادگاهش رودبار بازمی‌گردد. غلامحسین که یک سال پس از حبس جواد رویا را به خانواده ای متمول سپرده نشانی امیر افضل را در اختیار جواد می‌گذارد. جواد نزد امیر افضل و همسرش می‌رود و در مقابل خوشبختی دخترش می‌پذیرد که از حق پدری خود صرف نظر کند. جواد درمی‌یابد که جمشید مهرداد، نامزد رویا، جوان بیکاره‌ای است که همسر و دو فرزند دارد. جواد امکانات ازدواج رویا با کامران، معلم موسیقی رویا، را فراهم می‌کند؛ اما رویا بر اثر سوء تفاهمی باعث رنجش خاطر جواد می‌شود و جواد در گمنامی به زندگی خود ادامه می‌دهد کامران حقیقت ماجرا را برای رویا بازگو می‌کند و آن دو جواد را می‌یابند و به خانه بازمی‌گردانند.

مشخص است که این فیلم برای کودکان ساخته نشده است اما در روایت داستان آن زندگی یک کودک تا بزرگسالی در نظر گرفته شده و بازگو می‌شود. این فیلم ساخته اسماعیل کوشان است و فیلمنامه آن را احمد نجیب‌زاده نوشته است.

فیلم مراد و لاله نیز اثر دیگری است که نمونه بارزی از همین دست به شمار می‌رود. این فیلم که در سال ۱۳٤٤ ساخته شده است بازگوی داستان زندگی دو کودک به نام مراد و لاله است . با مرگ پدر و مادر مراد و لاله خالهٔ آنها کلثوم خواهرزاده‌های خود را به کمک حسن به گدایی وامی‌دارد. باباعلی برای آن که فشار کمتری به بچه‌ها وارد شود برای کلثوم، با بساط شهر فرنگی، کالای قاچاق حمل می‌کند. با دستگیر شدن باباعلی کلثوم و حسن بچه‌ها را وادار به دزدی می‌کنند، اما آنها به جای دزدی به باربری و تصنیف‌فروشی رو می‌آورند. روزی اتومبیل زن و شوهر جوانی با لاله تصادف می‌کند و آنها لاله را به بیمارستان و بعد مداوا به خانه می‌برند. زن و شوهر جوان با رضایت کلثوم لاله را به عنوان فرزند خوانده خود نگه می‌دارند. پس از مدتی کلثوم دستگیر و باباعلی آزاد می‌شود. وقتی زن و شوهر جوان با لاله عازم اروپا هستند باباعلی و مراد آنها را در فرودگاه می‌بینند، و از آن پس همگی در کنار هم زندگی می‌کنند.

امیر نادری تجربه ساخت سازدهنی را به فضای بوجود آمده در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نسبت می‌دهد و درباره ساخت آن می‌گوید: برای ساخت سازدهنی، احمد رضا احمدی مرا هل داد،اما از همه مهمتر پشتیبانی و همکاری مسوول سینمایی کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان بود.البته تجربه ساختن سازدهنی خود دارای ویژگی خاصی است که نشان دهنده ضعف تجهیزات در سینمای ایران در آن زمان است.

این فیلم که زندگی دو کودک بی سرپرست یا بد سرپرست را نشان می‌دهد و کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی آن توسط صابر رهبر انجام شده است، نمونه بارزی از فیلم‌های درباره کودک است که در دهه چهل خورشیدی ساخته شده‌اند. به هر جهت و با ساخت آثاری این چنین، دهه چهل خورشیدی سپری شد (سال‌های بین ۱۳۳۹تا ۱۳۵۱ خورشیدی) و سینمای کشور وارد دهه پنجاه خورشیدی شد.

دهه ۵۰ خورشیدی با چند اثر درخشان در این زمینه شناخته می‌شود. نخستین اثر یکی از شاهکارهای به یاد ماندنی سینمای ایران با نام «ساز دهنی» است. این اثر که در سال ۱۳۵۲ خورشیدی توسط امیر نادری (فیلمنامه نویس و کارگردان) ساخته شد، داستان زندگی

« امیرو» کودک با صفایی از خطه جنوب را روایت می‌کند. امیرو پسرکی است ساده و سرشار از حرکت، که در حوالی بوشهر زندگی می‌کند. او آن قدر افسار گسیخته است که همیشه یک پای دعوای همسن و سال‌های خودش است.

عبدالله نوجوانی است که پدرش، برای آنکه او را به ختنه کردن راضی کند، یک ساز دهنی به او می‌دهد. بچه‌های بندر به ساز عبدالله علاقمند می‌شوند، و عبدالله در ازای کولی گرفتن از بچه‌ها سازش را در اختیار آنها می‌گذارد. امیرو بیش از دیگران به ساز علاقمند می‌شود، و بیش از دیگران به عبدالله کولی می‌دهد. مادرش (شهلا درویشی) او را سرزنش می‌کند و یکی از بچه‌ها او را «خر عبدول کل عبدالله» می‌خواند و باعث می‌شود که او به خود بیاید و در پناه کشتی به گل نشسته ای، در سکوت، اشک بریزد. او، پس از این که در آب دریا آب تنی می‌کند، ساز دهنی را از دست عبدالله می‌رباید و پس از عبور از کوچه پس کوچه‌های شهر بندری ساز را در دریا می‌اندازد تا خود را از زیر بار ذلت خلاص کند.

این اثر از ساخت سینمایی محکمی‌برخوردار است و در همان حال به دلیل نوع روایت به خوبی می‌تواند با مخاطب نوجوان ارتباط برقرار کند و به این ترتیب می‌توان از آن به عنوان یکی از نخستین آثار حرفه ای کودک و نوجوان سینمای ایران یاد کرد. البته ساخت این اثر و دیگر آثار درخشان سینمای کودک دهه ۵۰ درواقع مدیون بوجود آمدن فضای فعالیت سینمایی برای متخصصان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که از وجود افرادی مانند امیر نادری و عباس کیارستمی بهره‌مند بود.

امیر نادری تجربه ساخت سازدهنی را به فضای بوجود آمده در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نسبت می‌دهد و دربارهٔ ساخت آن می‌گوید: برای ساخت سازدهنی، احمد رضا احمدی مرا هل داد،اما از همه مهمتر پشتیبانی و همکاری مسئول سینمایی کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان بود.

البته تجربه ساختن سازدهنی خود دارای ویژگی‌های خاصی است که نشان دهنده ضعف تجهیزات در سینمای ایران در آن زمان است. برای نمونه روایتی است که امیر نادری از نیاز به گریم در فیلم خود دارد. او می‌گوید: «در سازدهنی، کار با بچه‌ها برایم خیلی مهم و تازه بود. امیروی تپل و آن پسر لاغر، هر دو محشر بودند، آن‌ها را از تهران برده بودم و پوست شان سفید بود. بچه‌های دیگر محلی بودند؛ با رنگ‌های تیزه قهوه‌ای و گاهی سیاه. به ناچار این دو تا را هر روز می‌گذاشتم توی یک بشکه چای، البته نه چای داغ !به تن این بچه‌ها روغن و نفت سیاه می‌مالیدم و آن‌ها زیر آفتاب ول می‌گشتند تا بالاخره رنگ پوستشان آنی شد که می‌خواستیم.

دیگر فیلم درخشان سال ۱۳۵۲ « یک اتفاق ساده» اثر سهراب شهید ثالث بود. این اثر نخستین فیلم سینمایی بلند شهید ثالث است. محمد زمانی (محمد زمانی)، به خلاف تذکر نگهبان خط آهن، با عبور از روی ریل به مدرسه می‌رود. او به درس و تذکرهای معلم توجهی ندارد، و به همین دلیل معلم او را جریمه می‌کند. مادر زمانی بیمار و بستری است، و پسر کارهای خانه را انجام می‌دهد. پدر او (آنه محمد تاریخی)، که صیاد است، اعتنایی به زن و فرزندش ندارد. مادر محمد می‌میرد و پدرش پس از به خاک سپردن همسر علاقه بیشتری به محمد نشان می‌دهد. پدر می‌کوشد کت نیم داری برای محمد خریداری کند و وقتی معامله سر نمی‌گیرد پدر از مغازه بیرون می‌زند، و محمد در طول خیابان به دنبال او به راه می‌افتد.

ادامه در صفحه۸

حرف اول

گزارش میدانی از بیست و هشتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان

بی‌نظمی آفتی برای جشنواره تخصصی‌ای برای فیلم کودک

صبا رادمان

در روزهای گذشته بیست وهشتمین جشنواره فیلم کودکان ونوجوانان در حالی در اصفهان آغاز شد که بی‌برنامگی و بی‌نظمی صدای بیشتر مدعوین این جشنواره را بلند کرده و به اصطلاح جملگی مهمانان از جمله روزنامه‌نگاران وهنرمندان را به فغان آورد. از ابتدا آغازکنیم که مدیران برنامه‌ریزی جشنواره ظاهرا فراموش کرده بودند که احتمالا هنرمندان و روزنامه‌نگاران درگیری‌های کاری خود را دارند و مانند هرفرد معمولی‌ای باید برای سفر چند روزه خود به ویژه سفر کاری برنامه‌ریزی کنند و این موضوعی بودکه در مرحله آغازین بسیاری را نارحت کرد زیرا ظاهرا مدیران جشنواره اینگونه اندیشیده بودند این که خودشان برای سفر روزنامه‌نگاران و هنرمندان برنامه‌ریزی کنند برای سفر آنان کافی است و نیازی به اطلاع ایشان نیست. به همین دلیل نیز از هرگونه اطلاع‌رسانی در روزهای قبل از سفر به ایشان خودداری کردند. داستان از این قرار بود که برنامه ریزان جشنواره ناگهان چند ساعت باقی مانده به پرواز هنرمندان و روزنامه‌نگاران به اصفهان به این فکر افتادند که انگار بد نیست به مسافران این پرواز نیز درباره نحوه و ساعت سفرشان اطلاع دهند و به همین دلیل نیز شروع به تماس گرفتن با آن‌ها و اطلاع‌رسانی به ایشان کردند. این در حالی است که برخی از این هنرمندان و روزنامه‌نگاران اصلافرصت کافی برای حضور ناگهانی در این جشنواره در شهر اصفهان را نداشتند . به همین دلیل نیز لغو یک طرفه و عدم حضور در این سفر را به مسوولان بنیاد سینمایی فارابی به عنوان برگزارکننده این جشنواره اعلام کردند. البته عده‌ای هم بودند که یا از قبل تر خبر داشتند و براساس برنامه‌ریزی قبلی سفر را پذیرفته بودند و یا درنهایت برنامه کاری خود را با جشنواره هماهنگ کرده و دعوت جشنواره را برای حضور در شهر اصفهان و حضور در جشنواره پذیرفته و به سمت اصفهان پرواز کردند. شب شد و مسافران خسته از تهران به اصفهان رسیدند و به هتل‌هایشان برای پذیرش اعزام شدند غافل از این که مدیران برگزاری جشنواره به این موضوع فکر نکرده بودند که وضعیت اسکان این هنرمندان و روزنامه‌نگاران چگونه خواهد بود. آری هنرمندان و روزنامه‌نگاران برخی با تاخیرهای فراوان و چندین ساعته پرواز به هتل‌هایشان رسیدند غافل از این که اتاقی برای آنان درنظر گرفته نشده و احتمالا آنان قرار است شب را در پارک روبروی هتل بگذرانند. خانمی از گویندگان رادیو و تلویزیون در حالی که از ساعت ۱۰ شب تا حدود یک صبح در لابی هتل نشسته بود درحالی که از وضعیت موجود در جشنواره به شدت گله‌مند بود به خبرنگار ما گفت که چگونه است جشنواره مهمان دعوت کرده است اما برای اسکانش فکر نکرده است. این خانم می‌گفت مدت کوتاهی مانده به پرواز با من تماس گرفته و زمان و محل پروازم را اعلام کردند اما درباره این که در چه هتلی ساکن می‌شوم و با چه کسی یا چه کسانی قرار است هم‌اتاقی شوم را با من اصلا هماهنگ نکردند با این حال من به احترام دعوت جشنواره برنامه کاریم را هماهنگ کردم تا بتوانم در این جشنواره حضور داشته باشم. او افزود: طبیعی است که در شرایطی که من باید صبح برنامه روی آنتن ببرم باید شب را بتوانم راحت استراحت کنم تا صبح با انرژی کامل در خدمت بینندگان باشم. چگونه ممکن است من شب را تا صبح درگیر مشکل نداشتن اتاق باشم وآن وقت صبح زود با طراوت به بینندگان و شنوندگان برنامه صبح به خیر بگویم . در هرحال نیمه‌های شب بود که این خانم مشکل اتاقش حل شد و بالاخره به اتاقش رفت اما آقای خبرنگار دیگری از یک رسانه تخصصی سینما به خبرنگار ما درباره نحوه حضورش در جشنواره گفت: من به دلیل بیماری‌ای که دارم نمی‌توانم پرواز را تحمل کنم و به همین دلیل نیز خودم به شکل زمینی به اصفهان آمدم تا به شکل ویژه بتوانم جشنواره را پوشش دهم اما درکمال انتظار زمانی که به اصفهان رسیدم اصلا کسی از مدیران هماهنگی جشنواره پاسخگوی محل اسکان من نبود . من تا آخر شب تلاش کردم با مدیران و مسوولان هماهنگی جشنواره تماس بگیرم اما متاسفانه هیچکس پاسخگوی من نبود . به همین دلیل نیز تصمیم گرفتم تا با هزینه شخصی شب را در یکی ازهتل‌های اصفهان به صبح برسانم اما متاسفانه به دلیل این که به شکل همزمان درشهر گردشگری اصفهان چندین برنامه (جشنواره وهمایش‌های بزرگ) درحال برگزاری است هیچ یک از هتل‌ها اتاق خالی نداشتند و من تا نیمه‌های شب به نوعی بین زمین و آسمان باقی مانده بودم تا درنهایت یکی از همکارانم مرا به اتاق خود که اتفاقا تخت خالی هم برای من نداشت دعوت کرد تا لااقل مجبور به خوابیدن در پارک نشوم .سوال من از هماهنگ‌کنندگان جشنواره این است که اگر شما نمی‌توانید وضعیت اسکان مهمانان را فراهم کنید چرا این همه راه آنها را از تهران به اصفهان آوردید؟ آیااز این که هنرمندان و روزنامه‌نگاران تا نیمه‌های شب در خیابان به دنبال جای خواب باشند ناراحت نیستید ؟ اما در این میان داستان خبرنگار دیگری نیز شنیدنی بود. او می‌گفت من امشب به اصفهان رسیدم ومطابق وعده و قول قبلی مدیران در انتظار پذیرش و تحویل گرفتن اتاقم بودم، اما مشخص شد که در اثر بی برنامگی مسوولان هماهنگی جشنواره، اتاقی که باید در اختیار من قرار می‌گرفت در هتل خالی نیست، و به ناچار تا ساعت سه و نیم شب معطل فراهم شدن جایی برای اسکان بودم و تنها وقتی این امکان فراهم شد که در یک مسافرخانه اتاقی برای اسکان موقت اجاره شد، آن هم پس از کش و قوس‌های فراوان و اطلاق کلام‌هایی گستاخانه از سوی برخی عوامل اجرایی جشنواره. خبرنگاردیگری نیز از وضع بد اسکان خود شکایت داشت و می‌گفت مرا در هتلی اسکان داده اند که هیچ نوع شرایط لازم برای اسکان را ندارد و اطاق‌های آن نمدار است !

تمام این شکایت‌ها در حالی است که بسیاری از مهمانان دعوت شده به جشنواره مجبور شده‌اند در اتاق‌هایی چهارنفره و بیشتر اسکان یابند و حتی در مواردی اتاق‌هایی برای اسکان نُه یا دَه نفر در نظر گرفته شده بود. به هر صورت بیست و هشتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان با نمایش تعدادی فیلم درباره کودک در کنار چند فیلم ویژه کودک و نوجوان در حال برگزاری است، آن هم در شرایطی که هنرمندان و منتقدان حاضر در جشنواره، از نبود فیلم‌های تخصصی کودکان که بتوان از آنها به عنوان آثار شاخص این گونه سینمایی یاد کرد، متاسفند و حاصل جشنواره را از این منظر مثبت ارزیابی نمی‌کنند، زیرا سینمای کودک به عنوان یک گونه جدی سینمایی برای بسیاری از مدیران سینمایی تعریف نشده است.